خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۲۹ مهر ۱۳۹۶
اول صفر ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۶۹۳

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

رغبت و تمایل به دنیا مایه غم و اندوه و زهد و بی میلی به دنیا سبب راحتی قلب و بدن است.
(تحف العقول، ص ۳۵۸)

با شاعران

خراسان به روایت خراسان

۲۹ مهر ۱۳۴۰

چون قدم «سلطان» را بدمی‌دانست، او را کشت

۵۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: به طور غیر رسمی به دادگستری اطلاع می‌دهند که در قریه‌ای در ۳۶ کیلومتری تربت حیدریه فردی به نام علیجان زنش را کشته و بدون این که کسی از جریان مطلع گردد، با پدر ناتنی دختر تبانی کرده و او را دفن کرده‌اند، بلافاصله بازپرس به اتفاق پزشکی قانونی به محل رفته و دستور نبش قبر می‌دهند.

پس از معاینه جسد معلوم می‌شود که وی بر اثر ضربات وارده به شکم و پهلوها به قتل رسیده است، بلافاصله دستور دستگیری علیجان و پدر ناتنی صادر می‌گردد.

جریان از این قرار است که بانو سلطان مدت‌ها قبل پدرش فوت کرده بود و مادرش به همسری مرد دیگری در می‌آید و از او مانند دخترش نگهداری می‌کند تا سلطان بزرگ می‌شود.

وی در میان دختران از لحاظ وجاهت زبانزد بوده است و روزی از روزهای سال ۳۸، علیجان که از جوانان قلعه بوده به خواستگاری سلطان می‌رود، پدر ناتنی موافقت می‌نماید و مجلس جشن برپا می‌شود.

به طوری که اهالی ده اظهار می‌دارند، علیجان همیشه ادعا می‌کرده از موقعی که با سلطان ازدواج کرده است، تمام هست و نیست خودش را از دست داده و سربار پدرش شده است و هیچ کس او را به کار نمی‌گیرد.

چند شب قبل این گفتگوها را با زنش مطرح می‌کند و کار را به جای باریک می‌رساند و میان زن و شوهر دعوا در می‌گیرد، به طوری که شایع است وی با مشت و لگد به جان سلطان می‌افتد و او را کتک مفصلی می‌زند. سلطان بعدا به اعضای خانواده خود می‌گوید که دل درد شدیدی دارد و اظهار ناراحتی می‌کند. او نزدیکی‌های صبح فوت می‌کند و در ده سر و صداهای عجیبی به راه می‌افتد که سلطان را علیجان کشته و جسد او را دفن می‌کنند.

در بازجویی‌هایی که به عمل می‌آید، علیجان مدعی می‌شود من او را نکشته‌ام، وی دل درد بوده و به مرگ طبیعی درگذشت. ناپدری نیز می‌گوید من از دست این شخص و فامیل او که آدم‌های جسور و نترسی هستند، جرئت نکردم شکایت کنم. این پرونده تحت پیگرد است.

دزدی که در عروسی به دام افتاد

به طوری که کسب اطلاع شده است، فردی به نام محمد که مجرم با سابقه‌ای است و مدت‌ها متواری بوده، چند شب قبل به وسیله پلیس دستگیر و تحویل مقامات قضایی می‌شود.

خبرنگار ما اضافه می‌کند: موضوع دستگیری این متهم از این قرار بوده که چند شب قبل مامورین ژاندارمری اطلاع پیدا می‌کنند محمد در یک مجلس میهمانی حضور خواهد یافت پس یکی از نیروهای ژاندارمری به شکل یک دهاتی درآمده و با تعویض لباس در مجلس حاضر می‌شود و وقتی این مجرم به مجلس وارد می‌شود او را دستگیر می‌کند. خبرنگار ما اضافه می‌کند بعضی از اقوام وی سعی می‌کنند تا وسایل فرار او را فراهم کنند ولی افسر ژاندارمری این نقشه را بر باد می‌دهد، پرونده اتهامی محمد تحت پیگرد است.

نمای تاریخی

۱. آقایان فتوت (کشتی گیر طبسی) و حاج محمد خادم (عضو تیم ملی کشتی و پدر محمد رضا و رسول خادم) در باغ گلشن طبس و در حاشیه هشتمین دوره مسابقات قهرمانی خراسان. در سال ۱۳۳۵

۲. آقایان فتوت (کشتی گیر طبسی) و احمد وفادار (عضو تیم ملی کشتی) در باغ گلشن طبس و در حاشیه هشتمین دوره مسابقات قهرمانی خراسان در سال ۱۳۳۵ - منبع: دانشنامه مشهد

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۷۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۶۰۰	کیلوگرم
پیاز زرد	۲۰۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۷۰۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی
برنج پاکستانی درجه یک	۷۲۰۰	کیلوگرم
روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۵۹۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۰۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۷۵۰۰	کیلوگرم

قصه های ناتمام

صالحی

گپ و گفتی با «داوود کیانیان»، نمایش نامه‌نویس، کارگردان و مدرس تئاتر کودکان و نوجوانان

یک «خودکار» مرا شیفته نوشتن و نمایش کرد

از قدیمی‌های تئاتر مشهد است و آن‌هایی که سال‌ها بعد خاک این صحنه را خوردند و نام و نشانی گرفتند، بخشی از داشته‌هایشان را مدیون چهره‌های پیش کسوتی چون او هستند. «داوود کیانیان»، یکی از اعضای هنرمند خانواده «کیانیان» است که اهالی تئاتر نامش را بدون پیشوند «استاد» بر زبان نمی‌آورند.

او از اولین هایی است که هنرهای نمایشی را در شهر مشهد با گروه «پارت» سرپا کردند. کارنامه‌ای درخشان در عرصه بازیگری، نمایش نامه‌نویسی و کارگردانی دارد اما بخش زیادی از عمر حرفه‌ای خود را صرف آموزش و توسعه تئاتر کودکان و نوجوانان کرده است. برادرش رضا کیانیان از او به عنوان «استاد» خود یاد می‌کند و این همه تجربه، نشان در جه یک هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر سینه او نشانده است.

پنج دهه از عمرش را پای این هنر گذاشته و جوایز متعددی در این حوزه کسب کرده است. انبوه تالیفات او در این بخش، راهنمای راه افرادی است که مشتاق ورود به این وادی هستند.

در یکی از روزهای سرد پاییز با این هنرمند پیش کسوت به بهانه یک فنجان چای، از یک عمر فعالیت هنری سخن می‌گوییم.

کودکانه‌ای در قامت هنر

کیانیان به زبانی خودمانی از وصف الحال عشق به عالم هنر در روزگاری می‌گوید که ورود به این وادی دشوار بوده است؛ «در کودکی و نوجوانی، پدر و عموها، ما را از کارهای نمایشی برحذر می‌داشتند، ما را نصیحت می‌کردند به درس و کار بپردازیم که ماحصلی دارند، نه مطرب بازی که نه نان و آب دارد و نه آبرو. اما ما راه دیگری رفتیم.»

از میان همه امور هنری به اجرای نمایش آن هم برای کودکان و نوجوانان عشق می‌ورزد و به ریشه‌های این علاقه اشاره می‌کند و می‌گوید: کودکی نکردم، پس در بزرگ‌سالی آن را از این مسیر جبران می‌کنم. کارهای نمایشی را از ایام کودکی و در دبستان شروع کردم، سپس آن را در دوران نوجوانی و در دبیرستان‌های نادرشاه، فردوسی و کشاورزی مشهد پی گرفتم. به قدری خاطره این نمایش‌ها برایم شیرین و جذاب بودند، که دوست داشتم این فعالیت‌ها همیشه در زندگی‌ام جریان داشته باشند، بنابراین هیچ‌گاه از آن‌ها جدا نشدم. به ویژه از زمانی که به ضرورت تبیین این هنر برای نسل‌های آینده پی بردم، بر ادامه این مسیر پافشاری کردم.

وی یادآور می‌شود: تئاتر برایم پدیده‌ای است؛ درمانگر، لذت بخش و یک ضرورت اجتماعی.

یاد دوران شیرین درس و مدرسه، گرد خاطرات را از ذهنش می‌زداید و کیانیان را به روزهای درس و مدرسه می‌برد. تعریف می‌کند: نخستین جایزه‌ای که بابت بازی در تئاتر در دوران دبستان گرفتم، یک خودکار بود. آن روزها تازه خودکار رایج شده بود، اما دانش‌آموزان حق استفاده از آن را در مدرسه نداشتند. فقط باید از مداد، قلم نی با دوات و مرکب استفاده می‌کردیم. این خودکار که هدیه ایفای نقش در نمایش مدرسه بود، دو اتفاق مهم را در من نهادینه کرد: «نوشتن و عشق به نمایش».

از آن روز که دیده شدم

او صحنه نمایش را با تجربه بازیگری آغاز کرد و بعدها نمایش‌نامه‌هایی را که خودش نوشت، کارگردانی کرد. او ادامه می‌دهد: تقدیرنامه‌ای که سال ۴۹ به دلیل اجرای «پسرای عموصحرا و دخترای ننه دریا» گرفتم، چیزی بیش از یک کاغذ یادداشت اداری نبود، اما اهمیتش برایم از تندیسی که بعدها از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر گرفتم، بیشتر بود چون در آن روزگاری که انتظارش را نداشتم، آن تکه کاغذ نشانم داد که دیده می‌شوم و این یک پاسخ مثبت به نیاز آن زمان من بود تا مسیرم را با گام‌های محکم‌تری پی بگیرم.

او تئاتر را یک کار جمعی می‌خواند و از دلایل تشکیل گروه نمایشی «پارت» در سال ۱۳۴۴ چنین می‌گوید: این گروه را با جمعی از هنرمندان آن دوران راه انداختیم. تا سال ۴۹ بیشتر نمایش‌های ما ویژه بزرگ‌سالان بود، بعد از آن به دلایلی به هنرهای نمایشی ویژه کودکان و نوجوانان ورود پیدا کردیم.

وی یادآور می‌شود: در همان سال‌ها مربی تئاتر مدارس شدم و به همین دلیل فعالیت‌هایم در حوزه کودکان و نوجوانان بیشتر شد و با اکران نمایش «بچه‌ها و سگ‌ها» در مرکز آموزش تئاتر، شکل حرفه‌ای به خود گرفت. از آن زمان به بعد، گروه شماره دو تئاتر پارت نیز پا به عرصه نمایش گذاشت. استقبال بیش از انتظار تماشاگران از نمایش‌های این رده‌های سنی، ما را برآن داشت تا جشنواره‌ای را نیز در این رابطه تدارک ببینیم. خلاصه سهم ما در جریان تئاتر آن دوران این چنین بود.

این مدرس تئاتر کودکان و نوجوانان، از دلایل کم کاری متولیان و هنرمندان در حوزه‌های فرهنگ‌ساز به ویژه بخش‌های مرتبط با کودک و نوجوان انتقاد می‌کند و می‌گوید: بها ندادن به اندیشه‌های متنوع، سنگ‌اندازی بر سر راه فعالان مستقل، نبود تشکل‌های صنفی و روحیه فردگرایی ما را به دشواری‌های زیادی در عرصه هنر دچار کرده است.

این هنرمند که بنیاد نمایش کودک را مدیریت می‌کند، باور دارد که؛ «تئاتر برای تمامی گروه‌های سنی حرف برای گفتن دارد، چون شبیه‌ترین هنر به زندگی است.»

وی ادامه می‌دهد: فعالیت‌های هنری نظیر «تئاتر» که کودکان و نوجوانان از آن‌ها لذت می‌برند، اعتماد به نفس آنان را تقویت می‌کند و به واسطه آن، جمع‌گرایی را تجربه می‌کنند و خلاقیت آنان شکوفا می‌شود.

وی تاکید می‌کند: نباید فراموش کرد، ملتی که خلاقیت نداشته باشد، به پیشرفت و آزادی هم دست نمی‌یابد. جوامع غربی از بدو تولد به این موضوع به صورت گسترده می‌پردازند چرا که از آن انتفاع مادی و معنوی می‌برند پس می‌دانند که سرمایه‌گذاری روی تئاتر همیشه جواب می‌دهد.

با کودکان چه می‌کنیم؟

از زاویه نگاه خود احساس ناب کودکی را چنین وصف می‌کند؛ «آن‌ها که مزه کار داوطلبانه برای کودکان را چشیده باشند، هرگز از آن دست نمی‌شویند. چون کودکان به ما درس صداقت می‌آموزند. با احساسات و عواطف‌شان بر روی همه آغوش می‌گشایند، نه با عقل کاسبکارانه. آن‌ها چشمه جوشان خلاقیت‌اند و سرشار از انرژی ناب.»

استاد کیانیان با ذکر سخنی ظریف از آخرین دقایق عمر پابلوپیکاسو، هنرمند شهیر اسپانیایی مقصودش را بیان می‌کند: وقتی از او می‌پرسند، اکنون که تمام قله‌های هنری و شهرت را در نقاشی پیموده‌ای، چگونه می‌خواهی نقاشی کنی؟ پاسخ می‌دهد: «می‌خواهم چون کودکان نقاشی کنم». این است جایگاه واقعی کودکان نزد هنرشناسان بزرگ.

حرکتی برای هنری مظلوم

عمده تلاش این روزهای این هنرمند پیش کسوت هنرهای نمایشی تمرکز بر روی فعالیت‌های «بنیاد نمایش کودک» است تا شاید بتواند در حد توان اقداماتی بنیادی برای این هنر مظلوم انجام دهد. اما جدای از آن بسیار علاقه‌مند است که بعد از سال‌ها دوری از کارگردانی، دست به اجرای نمایشی برای کودکان و نوجوانان بزند.

وی می‌گوید: در کنار همه این‌ها، جلد سوم «دریچه‌ای به ادبیات نمایش کودکان و نوجوانان» را هم آماده دارم که حاوی ۳۳ نمایش‌نامه دیگر برای این مخاطبان است. از دیگر آثاری که ممکن است امسال منتشر کنم، یادداشت‌های پراکنده‌ای درباره تئاتر کودکان و نوجوانان است که طی یکی، دو دهه اخیر جمع‌آوری شده است.

یادداشت

محمد لاهوتی

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران

جوایز صادراتی؛ مشوق یا مُسکّن؟

اهمیت صادرات غیرنفتی در توسعه اقتصادی، ارتقای بهره‌وری و اشتغال بر کسی پوشیده نیست، تا جایی که بسیاری از محققان، راهبرد توسعه صادرات را الگوی مناسب پیشرفت در جهان می‌دانند. در این زمینه بسیاری از کشورها با در نظر گرفتن ابزارهای تشویقی می‌کوشند تا هزینه‌های صادرات را برای صادرکننده کاهش دهند و او را برای ورود جدی‌تر و گسترده‌تر به این حوزه تشویق کنند.

به همین منظور دولت در سال گذشته و همچنین امسال، اعتباراتی را برای حمایت از صادرکنندگان مدنظر قرار داد. البته سال گذشته متاسفانه، با وجود تعریف این اعتبار که حدود هزار میلیارد تومان برآورد می‌شد، تخصیصی انجام نگرفت و دلیل آن نیز مشکلات مالی دولت بود. اما تقریبا ۱۲۰ میلیارد تومان در قالب مشوق به صادرکنندگان در بخش‌هایی همچون حمل و نقل، حضور در نمایشگاه‌ها و تبلیغات بعضی از صادرکنندگان تخصیص یافت. طی امسال نیز به دلیل محدودیت منابع مالی، دولت همان ۱۲۰ میلیارد تومان مشوق صادراتی را مدنظر دارد.

امید است این بسته هر چه سریع‌تر در اختیار سازمان توسعه تجارت قرار گیرد تا صادرکنندگان در اسرع وقت بتوانند برای حضور در نمایشگاه‌ها، کمک هزینه حمل و نقل و ثبت برند جهانی از ظرفیت مذکور بهره لازم را ببرند. به رغم اقدامات دولت برای ارائه این مشوق‌ها، واقعیت آن است که این اعداد و ارقام برای توسعه صادرات (بدون لحاظ کردن میعانات و پتروشیمی که حدود ۵۰ درصد صادرات یعنی معادل ۲۰ تا ۲۲ میلیارد دلار در سال را شامل می‌شود) جوابگو نخواهد بود.

بسته‌های حمایتی و مشوق‌های صادراتی در کشورهای دیگر به منظور ایجاد شرایط ویژه برای صادرکنندگان در مقابل رقبای خارجی در نظر گرفته می‌شود، از این رو بسته‌های حمایتی که از سوی دولت برای این منظور تعریف می‌شوند و ارقامی که تخصیص می‌یابند، باید به گونه‌ای باشند تا فعالان اقتصادی بتوانند در بازارهای جهانی گوی سبقت را از رقبا بربایند و محصولات شان را با قیمتی مناسب‌تر عرضه کنند.

این در حالی است که در کشور ما به دلیل مشکلات زیرساختی در حوزه صادرات و به تبع بالا بودن قیمت تمام شده کالاهای تولیدی، اگر بسته‌های حمایتی نیز محقق شوند باز هم در قیمت تمام شده تاثیر شگرفی ندارند.

علاوه بر این روند کند و طولانی در فرایند ابلاغ و تخصیص جوایز صادراتی نتایج و آثار مثبت آن را کمرنگ می‌کند، چرا که صادرکننده اطمینان ندارد این مبالغ و کمک‌ها چه زمانی نصیب وی خواهد شد، در نتیجه نمی‌تواند آن را در قیمت تمام شده لحاظ کند و عملا تاثیر خودش را تا حدودی از دست می‌دهد.

البته ناگفته نماند بسیاری از صادرکنندگان طی سال‌های ۸۹ تا ۹۰، از دولت قبل رقمی حدود ۳۶۰ میلیارد تومان را در قالب جوایز صادراتی طلب دارند و از طرفی دولت یازدهم نیز پول اعتباری در اختیار ندارد که بتواند دیون خود را بپردازد. همه این مسائل نوعی بی‌اعتمادی را در میان فعالان این بخش ایجاد کرده است.

با نگاهی به شرایط موجود در می‌یابیم که مشوق‌های مالی نظیر به فراز و فرودهایی که در مسیر تحقق آن‌ها وجود دارد، در حُکم مُسکن‌هایی عمل می‌کنند که برای مدت کوتاهی از فشار مشکلات در حوزه صادرات کم می‌کنند اما خیلی زود تاثیر خود را از دست می‌دهند.

از این رو تا زمانی که مشکلات و مسائل حوزه صادرات در بخش‌هایی همچون حمل و نقل، نرخ ارز، نرخ تسهیلات و... حل و فصل نشود و شرایط به سطح دیگر کشورهای رقیب ما نرسد، آن چه در قالب مشوق و کمک ارائه می‌شود، راه به جایی نخواهد برد.

کشور ترکیه که از نظر شرایط جغرافیایی و اقتصادی شباهت‌هایی به کشور ما دارد، در مبحث سرمایه‌گذاری واحدهای تولیدی تا ۵۰ درصد کمک بلاعوض به سرمایه‌گذار پرداخت می‌کند. علاوه بر این نرخ تسهیلات در این کشور تک‌رقمی است و این موضوع موجب کاهش قیمت تمام شده کالا می‌شود. تمامی موارد یاد شده سبب شده تا کشور ترکیه بدون داشتن منابع خدادادی، سهم بزرگی از تجارت جهانی را در اختیار بگیرد و جایگاه بسیار ممتازی در بازارهای بین‌المللی داشته باشد.

در این زمینه مسئولان و سیاست‌گذاران باید ضمن ارتقای این بسته‌های حمایتی، تلاش خود را بر حل مشکلات ساختاری و اساسی تولید متمرکز کنند. مشکلاتی هم عمدتا ناشی از چالش‌های موجود در عرصه کلان اقتصادی مانند بی‌ثباتی مقررات و قوانین، تورم بالا، ثبات نداشتن نرخ ارز و... وجود دارد.

رفع این مشکلات اساسی باعث خواهد شد تا بسته‌های حمایتی تاثیر خود را نشان دهند. بنابراین افزایش دامنه جوایز صادراتی، تدارک بسترهای مناسب و تسهیل امور برای حضور صادرکنندگان در نمایشگاه‌های مختلف یا اعزام هیئت‌های تجاری، کمک به توانمندسازی تشکل‌های صادراتی و صندوق توسعه صادرات، ارتقای ظرفیت‌های تحقیقاتی با محوریت توسعه صادرات غیر نفتی، تدوین برنامه‌های آموزشی و برگزاری دوره‌های تخصصی برای صادرکنندگان و... بعضی از اقدامات موثر در این حوزه به شمار می‌آیند.

در پایان باید تاکید کرد، بخش صادراتی کشور مجزا از حوزه‌های دیگر اقتصاد و مشکلات آن‌ها نیست تا بتوان با اعمال سیاست‌هایی نظیر ارائه جوایز صادراتی (که البته به دلیل کسر بودجه دولت قابلیت تداوم در بلندمدت را ندارند) مشکلات آن را حل کرد و باید نگاهی عمیق و ریشه‌ای به دشواری‌های این حوزه داشت و برای آن‌ها چاره‌جویی کرد تا در نهایت شاهد توسعه پایدار در این بخش باشیم.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

هنرمندان خراسانی همچون برزو ارجمند، علی مسعودی و... در گذشت پدر نگار جواهریان (بازیگر و همسر رامبد جوان) را به وی تسلیت گفتند.

یک عکس زیبا از پارک ملت مشهد ارسالی از طرف مخاطبان

میکائیل کلور برشتولد سفیر آلمان در توئیتر خود از سفر به مشهد و تجربه حضور در بارگاه امام رضا (ع)، چنین نوشت: یک بار دیگر مثل همه جای ایران، مردم ایران با آغوش باز این بار در حرم امام رضا (ع) به من خوش آمد گفتند.

۲ نما از مزرعه زعفران در روستای ماریان ارسالی از طرف مخاطبان